

[illegible]

[illegible]

۱۰
 ۱۱
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

[illegible]

والله اعلم بالصواب

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

صفحہ	حصہ سراب	صفحہ	مضمون سراب	صفحہ	حصہ سراب	صفحہ	مضمون سراب
۴۸	پہلا حصہ سراب	۶۲	سوالیہ فصل اولہ علیہ	۶۲	باب الفصول علی الخادۃ	۴۲	باب من رحمہ اللہ
۴۹	باب مداد من لب	۶۵	وسلم عدل لب معین	۶۵	ابصوف النسان مع	۴۳	باب من لب
۵۰	باب مواضع الرجب	۶۶	نکاح اولہ علیہ	۶۶	الرجال علی الخادۃ	۴۴	باب من لب
۵۱	باب من لب	۶۷	باب ما لک من لب	۶۷	باب من لب	۴۵	باب من لب
۵۲	باب من لب	۶۸	باب من لب	۶۸	باب من لب	۴۶	باب من لب
۵۳	باب من لب	۶۹	باب من لب	۶۹	باب من لب	۴۷	باب من لب
۵۴	باب من لب	۷۰	باب من لب	۷۰	باب من لب	۴۸	باب من لب
۵۵	باب من لب	۷۱	باب من لب	۷۱	باب من لب	۴۹	باب من لب
۵۶	باب من لب	۷۲	باب من لب	۷۲	باب من لب	۵۰	باب من لب
۵۷	باب من لب	۷۳	باب من لب	۷۳	باب من لب	۵۱	باب من لب
۵۸	باب من لب	۷۴	باب من لب	۷۴	باب من لب	۵۲	باب من لب
۵۹	باب من لب	۷۵	باب من لب	۷۵	باب من لب	۵۳	باب من لب
۶۰	باب من لب	۷۶	باب من لب	۷۶	باب من لب	۵۴	باب من لب
۶۱	باب من لب	۷۷	باب من لب	۷۷	باب من لب	۵۵	باب من لب
۶۲	باب من لب	۷۸	باب من لب	۷۸	باب من لب	۵۶	باب من لب
۶۳	باب من لب	۷۹	باب من لب	۷۹	باب من لب	۵۷	باب من لب
۶۴	باب من لب	۸۰	باب من لب	۸۰	باب من لب	۵۸	باب من لب
۶۵	باب من لب	۸۱	باب من لب	۸۱	باب من لب	۵۹	باب من لب
۶۶	باب من لب	۸۲	باب من لب	۸۲	باب من لب	۶۰	باب من لب
۶۷	باب من لب	۸۳	باب من لب	۸۳	باب من لب	۶۱	باب من لب
۶۸	باب من لب	۸۴	باب من لب	۸۴	باب من لب	۶۲	باب من لب
۶۹	باب من لب	۸۵	باب من لب	۸۵	باب من لب	۶۳	باب من لب
۷۰	باب من لب	۸۶	باب من لب	۸۶	باب من لب	۶۴	باب من لب
۷۱	باب من لب	۸۷	باب من لب	۸۷	باب من لب	۶۵	باب من لب
۷۲	باب من لب	۸۸	باب من لب	۸۸	باب من لب	۶۶	باب من لب
۷۳	باب من لب	۸۹	باب من لب	۸۹	باب من لب	۶۷	باب من لب
۷۴	باب من لب	۹۰	باب من لب	۹۰	باب من لب	۶۸	باب من لب
۷۵	باب من لب	۹۱	باب من لب	۹۱	باب من لب	۶۹	باب من لب
۷۶	باب من لب	۹۲	باب من لب	۹۲	باب من لب	۷۰	باب من لب
۷۷	باب من لب	۹۳	باب من لب	۹۳	باب من لب	۷۱	باب من لب
۷۸	باب من لب	۹۴	باب من لب	۹۴	باب من لب	۷۲	باب من لب
۷۹	باب من لب	۹۵	باب من لب	۹۵	باب من لب	۷۳	باب من لب
۸۰	باب من لب	۹۶	باب من لب	۹۶	باب من لب	۷۴	باب من لب
۸۱	باب من لب	۹۷	باب من لب	۹۷	باب من لب	۷۵	باب من لب
۸۲	باب من لب	۹۸	باب من لب	۹۸	باب من لب	۷۶	باب من لب
۸۳	باب من لب	۹۹	باب من لب	۹۹	باب من لب	۷۷	باب من لب
۸۴	باب من لب	۱۰۰	باب من لب	۱۰۰	باب من لب	۷۸	باب من لب

مَا نَشَاءُ اللَّهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ

اصول علم ساقی مطبوع و بدل کریم نامی حرجی از فاداد حال السوس من هر عصر اط آواں و افام سار



حس و اس حیات و اگر الدن و علم حسن مساحت حرات کشت مدو را و الله بعدا

در طبع و ادبیات و کتب و کتب و کتب

محمود منفه

[illegible]

معمول الطالی

استماع اربع درود بعد از نماز و لغوی خواندن اقامه و تلاوت حدیث و سوره و تلاوت و قرائت آن و در وقت در صد نماز هر مرتبه سوره
کنده استخوان کل سوره و هر یک بعد از هر دو و چند مرتبه در صد سوره را بخواند و هر یک از این سوره را در هر روز یک مرتبه بخواند
مصدق و از هر یک از این سوره را در هر روز یک مرتبه بخواند و هر یک از این سوره را در هر روز یک مرتبه بخواند

محمون مایق

[illegible]

معمولاً راحت

[illegible]

سفر حمارو

[illegible]

سدوم

[illegible]

صبا و سحر

[illegible]

[illegible][illegible]

فصل سیر و ہم در کاہوں

[illegible]

مقررات

مسئلہ دوم: اے کون - محمد الرحیم و اعظم مرتبہ طبع انکمیں عملی اپنا فرض دیکھ کر اللہ تعالیٰ کے کون کون سے
 فریضہ کے لئے کون سے روئے آسمانی اور مہدی دیکھ سناہر واداد انکمیں واداعمل دوسرے حواس میں عملی اور

مرکبات

[illegible]

[illegible]

مصروات

[illegible]

[illegible]

مهرکها و یک مدی سرد مثل - سارده میرا اوی و تری که در کتب دیگر مذکور است و اما این اسما مال بود و فایده دارد
 سکه اسمی مثل دار فلفل در کتب سطران باو غلبه صغری هر طور که در کتب دیگر مذکور است و در کتب دیگر مذکور است
 حب سار و یک نوزاد و اسد حب رانی رانی باغ و فلوهر امرض رانی ابدی و فلوهر و دیگر در باغ ان از کتب سطران
 یک لیمو ده عدد و آب بر انداخته و بر سر در حد و آب کرده و آب و عدد برود و در کتب دیگر مذکور است و فلوهر و دیگر در باغ
 در من و در سرخ و در و در کتب دیگر مذکور است و در کتب دیگر مذکور است و در کتب دیگر مذکور است
 حب که در کتب معاصر مثل معاصر و در کتب دیگر مذکور است و در کتب دیگر مذکور است

حب سار و فلوهر و اسد حب رانی رانی باغ و فلوهر امرض رانی ابدی و فلوهر و دیگر در باغ ان از کتب سطران
 سار و یک مدی سار و اسد حب رانی رانی باغ و فلوهر امرض رانی ابدی و فلوهر و دیگر در باغ ان از کتب سطران
 سار و یک مدی سار و اسد حب رانی رانی باغ و فلوهر امرض رانی ابدی و فلوهر و دیگر در باغ ان از کتب سطران
 سار و یک مدی سار و اسد حب رانی رانی باغ و فلوهر امرض رانی ابدی و فلوهر و دیگر در باغ ان از کتب سطران

اس در اول سار و اسد حب رانی رانی باغ و فلوهر امرض رانی ابدی و فلوهر و دیگر در باغ ان از کتب سطران
 کوه در عرق که در کتب دیگر مذکور است و در کتب دیگر مذکور است و در کتب دیگر مذکور است
 و در کتب دیگر مذکور است و در کتب دیگر مذکور است و در کتب دیگر مذکور است
 و در کتب دیگر مذکور است و در کتب دیگر مذکور است و در کتب دیگر مذکور است

اس حب سار و اسد حب رانی رانی باغ و فلوهر امرض رانی ابدی و فلوهر و دیگر در باغ ان از کتب سطران
 حب سار و اسد حب رانی رانی باغ و فلوهر امرض رانی ابدی و فلوهر و دیگر در باغ ان از کتب سطران
 کوه در عرق که در کتب دیگر مذکور است و در کتب دیگر مذکور است و در کتب دیگر مذکور است
 و در کتب دیگر مذکور است و در کتب دیگر مذکور است و در کتب دیگر مذکور است

حب سار و اسد حب رانی رانی باغ و فلوهر امرض رانی ابدی و فلوهر و دیگر در باغ ان از کتب سطران
 حب سار و اسد حب رانی رانی باغ و فلوهر امرض رانی ابدی و فلوهر و دیگر در باغ ان از کتب سطران
 کوه در عرق که در کتب دیگر مذکور است و در کتب دیگر مذکور است و در کتب دیگر مذکور است
 و در کتب دیگر مذکور است و در کتب دیگر مذکور است و در کتب دیگر مذکور است

[illegible]

سین دانند اگر در دست خود روح کاسی بسن دانند کل میرح کل بقیه سرکه چهار دانسه عصاره سبزه و سارده
کرد هر سه دوا بعد صبح تا شش حاره سرد رود مایه سماوی که غار بون لجاج فسیق رسد بر عمل درود +

فصل ستم در اصلاح

[illegible]

مفردات

[illegible]

مرکبات

[illegible]

فصل بیست و یکم در کلام و نثر

[illegible]

[illegible][illegible][illegible][illegible][illegible]

دوسته حامد کلپی محمد دواپیکه را دل زدند و در جوار او در فی الحال خرمی و از ملازم حمید و گوشتی که در کدو رسیده بود به سرانجام

۵
مکتبہ عربیہ اسلامیہ
۶
مکتبہ عربیہ اسلامیہ

[illegible]

معدلات

تخم زگیل تا که معدس دیگر صاحب دخر را با انگس سرشکا من در ادا طر و معدس گند و بچگر و غفران سر
 دهن به مدت عرب که اسهولها سر دهن معدس عرب و بچگر دهن گل با سر که طر و عرب و منس سر دهن کتاب و سرشکا
 ساه عرب و دیگر که سر دهن در مل کرده و منس کا معدس

مرکبات

[illegible]

فصل سوم در طهر

[illegible]

اما حق فیقصر در فصل صدراع لفسند مسلیقون و در فصل تروال اما حوا آند سر و حوالی بنوسی که حکم و حرب را جامع و فصل
صفت لفسر حوا آند حکم که حارس چشم نام است در فصل دصمے و در حکم الحس که حارس و سبری جسم را جامع است در فصل
نامن گذشت و و اسے نام حارس و سبری جسم کار نوے عمل مسود فعل و دوم عدد رنگ هم و عدد مثل و نگارن که سبر و لفسر
از حوا آند اس رنگا جسمی حوا عمل کند که مسا سودا و حکم که صدراع علاج العرا و و اسے که حکم و دریم و اص عظم کند فصل
دصم حوا آند ایضا صاحب حارس هم از حوا آند اکبری صبر جسس کی نوبت شد و صفا و اما مسادی کوفه حد تکمال نام
و در و را صفت در فصل مذکر ایضا صبر صبر که حکم را جامع سود و صدراع علاج العرا و در فصل و مسادریه که نام که در
در عین چهار دریم جسس و هم فصل الفص حمار دریم که حوا آند

شتیاف سناق کہ حاس و حرک و سورس و مخوط راع و راعاج الامراض مای تنی سعال آب لوان سرود و مای
 واد موساند اعطس و گیا سر سو و ورم سناق اب ار بر آن سر سد لیس آب ساق و اسوسا سد گرد ساق مای سر
 ساق مے سار و نسو و دگر و در و سل گد سد شتیاف مای رخ که حکم راع و سد اس در فصل مذکبه سد شتیاف احمر
 وک سد سناق مخرام مذکبه در فصل مذکبه گرد سد و سناق مای راد و سبل گد سد عسول که حکم راع اس در فصل مذکبه
 وکر اب کمل حبس حاس و سورس کما روے صل بهم سد عسول مذکبه راعی و سر و مای رو و حاک کرد مذکبه
 ورن سور و مای و سور و راجو صلا یکر و آسمان مای مذکبه اس و
 حکایت مے راجم مای سد و سور مای مذکبه سد حاس صاحب و مود حصص کمی و آب ساند مذکبه

[illegible]

ملیکتقول در فصل بر دل نماز انداد و در وجه و در فصل است از سر می رسد معده مرده در ده دم سانج سحر
و در دم ساسده مل آرد شایف احمر لین کرد و خاک آرد و در طب الاکر سانج سحر و در دم صبح سحر کی کسل یک عدد دم
ن سوسه در دم سحر و در دم گنجه سحر و در دم سحر یک گد و در دم الاوس و در دم سحر یک گد و در دم سحر یک گد و در دم سحر
سکاف سار و در دم سحر و در فصل رد و شایف احمر حاد و در سل گد سب و شایف کسل و در
شایف المار در فصل روح اعن خواند آرد

[illegible]

فصل شمار و ہم در عتبات

مستقرات

مرکبات

[illegible]

مقصودات

مرکبات

سار اعره سحره

[illegible]

[illegible]

دو اس کے معصر باد کہ از عمارت حق قعد و مزارہ آف و محمد مدسرساوی و آف و بان رورہ و آرمہ مریم مع صحر باد ہا
ایقیناً عہد کہ صحر باد امح اس مومے را کند و بی الخال حوان اسہ و دروش کما ہر آن اما و کبار عل عامہ صحر باد کہ ہر اسے
یہ ال را بین تریہ حکم عدالتا و در موم ہسندہ و سا و را نوہ مگر و کل جعلی سئل کسری سخی کوہہ ہر کہ اسہ مہرلا حوان کند و سئل ہر
ہر کہ اسہ لو عدلہ یگیر کہ مع الصبح اسہ ہنگوہ الف و صبح وری آن اسہ و ہر ہر اسہ و نکار و

[illegible]

فصل ہفتم در انتشار الہدای

[illegible]

مركبات

[illegible]

فصل ہستم در ریاض الاہباب

تخم شمع کرده کنار برده کما و کثرت اعلای رسیده، الشبع است و طعمه الشبع و در رات تخم سر سر مدد رو کانی است
روی کوه در جوی کما صره لسه و آب گرم نم کرده کما و ساق +

فصل دوازدهم در سلاق

و آن سرخی و سرخی کنار است یکا بود و اخلاص است و خون در آن است که در کما سر و در سر سرح سود و عسل را که در دوا این صفت
سپیدی امی کوما و اگر خار در دوا بود سود و واسطه کرب استعمال شود و آب در افطار است کرب کا عارض گرد و در سوس
اوده و نورانی است علاج شمرده سوجه صله جراح و در بهالی حسی سپید و اندک در عین جراح و آن ادا صه در سساری
حالیه سانی و ساقا و آن را در چشم که کما محرب است و گلاب که در آن ساق و پله در در تر کرده صاف نموده با سسد در چشم
کا مکن و سر باره بمان بر کرده رنگ مادی معنی بود و بر سر برگ حر و در برگ کاسی و عین گل رنگ مادی در کون و اسفند
سسته سرخ در عین گل آبیجه بر باره طلا کرده رنگ گدایش و بر سرخ اسقام مودی سرخ بود و در حبه در حبه احسان گد سب معنی
و عین مرص سرخ گرد و صند فعال در گد مانی کساید و ساق اس سر و کما بل تخمات مامد و سهیل گرم و حله مایع صقیه
کنده حله تخمیده احسان آب گرم فعل آرد و صاف است و سرخ کسد و در عین معر و تخم ابارا صمغ مامد و مامد +

مفردات

حرم دو کبهه را رنگ سر و یک که در حال سود و سانیده در سه مامد و حله نشانه مامد در جراح و عین سرخ و سس کسد و
و عده آن شمر و در چشم کسد و کما مالد بهب سلاق سار محرب است و دیگر افع سلاق از عین ج اک سوجه خاک سر کرده
آب ممل کرده حوالی تخم طلا کرده اسد سرخی و عله احسان و در سار و دیگر فوتات سر آب عین صلب مامد و کلا صه است و دیگر
صدف سوجه ساق و در چشم کسد و اسسد و دیگر کبلی مایه سوجه ارض کسد و عده مالد و دیگر کس مامد و در موده حله کسد و سانیده

مرکبات

مر و در چشم کسلان را راجع در فصل هر که است حسب افع سلاق سازی حالی به سر بر سانیده یک عدا عینون سر سرح سر
نوسب بلدر در سر واحد و در دوا لای خور و مع دسب و عده دوا سر بر ساه کبرل کرده حبه لسه و در چشم کسد و سر بر طلا سر ماما
سر مامد آدام کسد و عین ج حسب که اسی راجع در فصل ماس گد سب و ک مامد و در سسل مامد و کسد و عین کرسه سلاق جیل
ممد و در حرات الطایکی است و ملامد مامد و نوسب کما و عین مامد و گاد و احسان کرده و سوار ماما حاکم ساه و وارک سانیه
در طرف می کسد و رنگ لاسوری و لعل گرد و هر یک مامد و عین اس اصا و موده اسره و برگ عین مامد و حبه سب کفاس در نوسب
کرده اسسد سانیه و در نوسب اسره و دیگر مامد و عین ماما کسد و عین کمال اس سر و در آنگاه و طرف مامد و عین نگا دارد هر و در چشم
کسد و عین مامد و سرخی و عین ج و آن س و در س آن رال سار و عین اند مانی و عین کرسه سلاق محرب سسد و در
و نگار و در سر که و سسد و سر حرات سانیه و نگار و در دوا سدی و دیگر کاسی یا مامد و سب و در فصل سر مطلب گد سب +
رو عین کرسه عین ماما اس صاص حبه سر و سر مامد و سر و عین حبه و وارک سانیده و در عین مامد و در کرده و در حبه
نوی مامد و در مانی چول نوی و اگر مامد و عین کسد و طرف جع سود و رنگ مالد حبه در رو عین مستعمل عین کسل حوالی مامد
که چشم در در کسل او مده و ملامد بهب سلاق و سسل و دیگر مامد و عین جع حبه سر سسد و عین مامد و عین کسد و در دوا و در کسد +

دو اسکے کہ تھوڑے گھنٹوں میں دماغ پہ کھونٹے دروختا غار آد امار در کھل امارک نامہ محمد دسے روضہ شکر
آفسر دوچار چند ہر دو تھیں اور آمارک ادا لہ دو سرور دماغ نامہ ہر دو چار خطہ در گوس حکامہ و اگر گھوگھو گھو گھو راور روضہ شکر
متراب رہاں کشد و یکا ریزد میں غل کشد و اچاکہ روضہ سرفہم ریزد روضہ کشد عوس او کشد +
دو اسکے مراے مندر گویں ریزد گوس عدا رتیکہ احراج ارادہ و دیگر کردہ اسکا محراب پہ از علاج الامراض لوسے مندر
میں جو مہر دہ و مساوی آریہ سرورہ و سوچہ سادہ گچہ پڑا و دھندلے در گوس دمسد در ماضی آست نامہ و عوم بندہ
سورہ سرورہ مندر اصل اس ایسا و ماضی منبری اللہ لودہ و پیکری مارک کشد و دیگر گوس ادا روضہ مندر اول
دو ایکیکہ در مل روضہ و مومام کہ در گوس دآمد محراب صاحب علاج اس کسرت لو ڈا ہی عصا و سج مارک گورہ در گورہ
نامہ رت مل کردہ خطہ سادہ و مہر میں آدہ دریں کارہ صاب +

[illegible][illegible]

کات

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

